



انسان کیست؟

در کتاب اول کلام خدا، پیدایش، در همان باب اول میخوانیم که خدا زمین را به آفرید. همچنین درختان، حیوانات، و حتی انسان را او آفرید. همه چیز نیکو بود و انسان بسیار نیکو بود. زمانی که همه چیز آفریده شد خدا با انسان صحبت کرد. این چیزی است که او گفت.

کدام پنج واژه برنامه اصلی خداوند را بیان می کند؟

پیدایش ۱: ۲۶-۲۸

پیدایش ۲: ۱۵-۱۷

خدا انسان را شبیه خود، مرد و زن، آفرید. آنها با هم شبیه خدا بودند، نه در ظاهر بلکه در باطن. هر دوی آنها به این منظور آفریده شدند که بر زمین فرمانروایی، اعمال اقتدار و تولید مثل کنند. خدا همه چیز را در طبیعت به ترتیبی آفرید که قابلیت باروری و تکثیر داشته باشد.

سپس خدا به انسان قدرت داد. او این قدرت را داشت که خود همه کارها را به انجام برساند. با اینحال انسان را در آفرینش خویش شریک کرد. از همان ابتدا خدا میخواست با آدم و حوا همکاری داشته باشد.

انتخاب

تمام حکمت از آن خداست. او میداند چه چیز نیکو است و چگونه باید در عدالت، صلح و شادی زندگی کرد. این همان نوع زندگی بود که خدا برای انسان بر زمین در نظر گرفته بود. به همین دلیل میخواست که انسان در وابستگی و اعتماد به او زندگی کند. اگر انسان به چشمه حیات متصل بماند، حیات نیز بر زمین نیکو باقی میماند.

(پیدایش ۲: ۸-۹)

زمانی که آدم و حوا از آن درخت خوردند چشمانشان به شناخت نیکی و بدی باز شد. آنها به جای خدا، به خودشان اعتماد کردند. نتیجه این کار عظیم بود و ما هر روزه عواقب آن را تجربه میکنیم!

عواقب انتخاب اعتماد به خود

پیدایش ۳: ۷-۱۲

از این به بعد رابطه با خدا به جای یک رابطه قلبی، یک رابطه منطقی میشود.

دشمنی در روی زمین

پیامد این اتفاق این است که بر زمین لعنت می آید و به وسیله آن مرگ، دشمنی، زحمت و بیماری وارد میشود. دیگر زمین تنها نیکو نیست! دیگر تنها صلح، شادی و عدالت نیست. آنچه خدا ساخته به خاطر این لعنت دیگر به حق و مقصد خود نمیرسند. زندگی بر روی زمین بعد از آنچه آدم و حوا کردند بسیار سخت تر شد. (پیدایش ۳: ۱۴-۲۰).

زمانی که انسان انتخاب میکند که دیگر به خدا وابسته نباشد قدرتی را که از او دریافت کرده بود، به مار (نمادی از شیطان)، دشمن خدا منتقل میکند. حالا شیطان بر زمین قدرت یافته و انسان زیر یوغ آمده است. «چشمانشان برای دنیای پادشاهی خدا بسته میشود» و برای آن دنیای دیگر باز میشود. حاکم دیگری بر پادشاهی آنها سلطنت میکنند.

آیا می‌توانید هر دو پادشاهی را ببینید؟

دعا کنید که خداوند چشمان‌تان را به پادشاهی باز کند. همچنین دعا کنید همچنین دعا کنید تا هوشیارانه هر دو پادشاهی را در اطرافتان تشخیص دهید. به این امر فکر کنید که آدم و حوا خود را از خدا پنهان کردند، با اینحال او به دنبالشان گشت. به همین گونه خدا به دنبال شماست.

اگر شما مثل آدم و حوا از خدا فرار کرده‌اید با مری‌تان در میان بگذارید. شاید شما هم معنی این شرم از خدا را می‌فهمید و یا از او می‌ترسید. وقتی به این فکر میکنید که خدا بسیار نزدیکتان می‌آید، مانند زمانی که نزدیک آدم و حوا بود، شما چه عکس‌العملی دارید؟ چرا؟

اصل دوم

خداوند به هر فرد هویت و برکت خود را می‌بخشد. به ما اقتدار، مسئولیت و اختیار آن داده شده است که آیا از این قدرت در راه درست استفاده می‌کنیم یا نادرست.



پیدایش ۱: ۲۶ - ۲۸

۲۶ و خدا گفت: آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم و بر تمامی زمین و همه حشراتی که بر زمین میخزند، حکومت نماید. ۲۷ پس خدا آدم را بصورت خود آفرید. او را بصورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید.

۲۸ و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت: بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید، و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می خزند، حکومت کنید.

پیدایش ۲: ۱۵ - ۱۷

۱۵ پس خداوند خدا آدم را گرفت و او را در باغ عدن گذاشت تا کار آن را بکند و آن را محافظت نماید. ۱۶ و خداوند خدا آدم را امر فرموده، گفت: از همه درختان باغ بی ممانعت بخور، ۱۷ اما از درخت معرفت نیک و بد زنهار نخوری، زیرا روزی که از آن خوردی، هر آینه خواهی مرد.

پیدایش ۲: ۸ - ۹

۸ و خداوند خدا باغی در عدن بطرف مشرق غرس نمود و آن آدم را که سرشته بود، در آنجا گذاشت. ۹ و خداوند خدا هر درخت خوشنما و خوش خوراک را از زمین رویانید، و درخت حیات را در وسط باغ و درخت معرفت نیک و بد را.

پیدایش ۳: ۷

۷ آنگاه چشمان هر دو ایشان باز شد و فهمیدند که عریانند. پس برگهای انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشان ساختند.

پیدایش ۳: ۸

۸ و آواز خداوند خدا را شنیدند که در هنگام وزیدن نسیم نهار در باغ می خرامید، و آدم و زنش خویشان را از حضور خداوند خدا در میان درختان باغ پنهان کردند.

پیدایش ۳: ۹ - ۱۰

۹ و خداوند خدا آدم را ندا در داد و گفت: کجا هستی؟ گفت: چون آوازت را در باغ شنیدم، ترسان گشتم، زیرا که عریانم. پس خود را پنهان کردم.

پیدایش ۳: ۱۲

۱۲ آدم گفت: این زنی که قرین من ساختی، وی از میوه درخت به من داد که خوردم.

پیدایش ۳: ۱۴ - ۲۰

۱۴ پس خداوند خدا به مار گفت: چونکه این کار کردی، از جمیع بهایم و از همه حیوانات صحرا ملعون تر هستی! بر شکمت راه

خواهی رفت و تمام ایام عمرت خاک خواهی خورد. ۱۵ و عداوت در میان تو و زن، و در میان ترییت تو و نریت وی می گذارم؛ او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی کوبید.

۱۶ و به زن گفت: آلم و حمل تو را بسیار افزون گردانم؛ با الم فرزندان خواهی زایید و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکمرانی خواهد کرد. ۱۷ و به آدم گفت: چونکه سخن زوجه ات را شنیدی و از آن درخت خوردی که امر فرموده، گفتم از آن نخوری، پس تمام ایام عمرت از آن با رنج خواهی خورد. ۱۸ خار و خس نیز برایت خواهد رویانید و سبزه های صحرا را خواهی خورد، ۱۹ و به عرق پیشانی ات نان خواهی خورد تا حینی که به خاک راجع گردی، که از آن گرفته شدی زیرا که تو خاک هستی و به خاک خواهی برگشت. ۲۰ و آدم زن خود را حوا نام نهاد، زیرا که او مادر جمیع زندگان است.